

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه‌ی، شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵؛ ۲۲ رجب ۱۴۳۷

ادامه بحث سابقه‌ی نظریه‌ی ولایت فقیه در تتبع اقوال فقهاء:

نظرات شیخ طوسی رحمه الله:

بحث ما درباره‌ی به دست آوردن نظریه‌ی ولایت فقیه در تتبع نظرات فقهای عصر آغاز اجتهاد بود.

این که فقهاء در مورد عبادات عبادی-سیاسی، همچون نماز عیدین و استسقاء و ... چه نظری دارند، برای ما موضوعیت ندارد؛ بلکه منظور ما این است که در بیان این احکام در زمان غیبت آیا به ولایت فقیه قائل هستند یا نه؟ و آیا ولایت عامه و مطلقه یا حسبه؟

در مورد آرای شیخ مفید رحمه الله به این نتیجه رسیدیم که با توجه به نظرات ایشان در مورد نماز جمعه، به ولایت مطلقه و عامه فقیه معتقدند.

اکنون در مورد نظرات شیخ طوسی رحمه الله:

ایشان در النهایة سه مطلب دارند که با یکی که در مورد نماز جمعه است و دو مطلب دیگر می‌توان فهمید که قائل به ولایت مطلقه و عامه فقیه می‌باشند. می‌فرمایند:

«الاجتماع فی صلاة الجمعة فريضة إذا حصلت شرائطه. و من شرائطه أن يكون هناك إمام عادل أو من نصبه الإمام للصلاة بالناس، و يبلغ عدد من يصلى بهم سبعة نفر، فان كانوا أقل من ذلك لم يجب عليهم الجمعة، و يستحب لهم أن يجتمعوا إذا كانوا خمسة نفر. و مع حصول هذه الشرائط»^۱

ایشان شرط وجوب نماز جمعه را حضور امام عادل و یا شخصی است که امام عادل او را نصب کرده است. مراد از امام عادل، معصوم علیه السلام است.

دوران شیخ مفید و شیخ طوسی رحمه الله دوران خفقان شیعه در زمان خلفای عباسی بود و در آن زمان که دوران تقیه‌ی شیعه بود، تعبیر از امام معصوم علیه السلام به امام عادل یا سلطان عادل بود.

۱. نکت النهایة؛ ج ۱، ص: ۳۳۳؛ باب الجمعة و أحكامها.

بنا به ظاهر فرمایش ایشان، شرط وجوب نماز جمعه را حضور معصوم علیه السلام یا حضور منصوب ایشان می باشد.

عین همین نکته را در مسأله‌ی نماز عیدین نیز بیان می فرمایند:

صلاة العیدین فريضة بشرط وجود الإمام العادل، أو وجود من نصبه الإمام للصلاة بالناس، و تلزم صلاة العیدین كل من تلزمه الجمعة، و تسقط عن تسقط عنه...^۱

در این مورد هم از ظاهر فرمایش ایشان حضور امام یا منصوب ایشان شرط وجوب نماز عیدین دانسته شده است.

ایشان در بخش امر به معروف و نهی از منکر (همین کتاب النهایه ص ۳۰۲):

مسألة: و يجوز للفقهاء أهل الحق أن يجمعوا بالناس الصلوات كلها من الفرائض الخمس و العیدین استحباباً مؤكداً مع عدم الخوف. أما الجمعة فقال بعض أصحابنا: يجوز لهم إقامة الجمع و يخطبون الخطبتين مع عدم الخوف.^۲

در اینجا می فرمایند که در مسأله‌ی نماز عیدین و ... وجود امام باعث وجوب می شود.

ایشان در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بالید، چه در مقام اجرای حدود یا قضاء یا قبول ولایت از جانب سلطان جائز می فرمایند که باید کسی انجام بدهد که ولایت دارد؛ ایشان در جایی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر قتل و ... است، فقهاء را صاحب ولایت می دانند. همچنین ایشان فقهاء اهل حق را امام عادل می دانند و برپایی نماز جمعه و عیدین و ... را، همچنانکه برای امام معصوم علیه السلام جایز می دانند، برای فقیه جامع الشرایط نیز جایز می دانند و امام عادل را در زمان غیبت، فقهاء می دانند که از این فهمیده می شود ایشان قائل به ولایت مطلقه‌ی فقیه در زمان غیبت (نیایی یا انتصابی) می باشند.

ظاهر فرمایش ایشان وجوب نماز جمعه نیست (و يجوز...) و دلالت بر جواز می کند؛ پس نمی توان آن را به «ولایت حسبیه» ارتباط داد، زیرا حسبیه شامل مواردی می شود که امری «واجب» بر روی زمین مانده باشد و تصدی فقیه از مردم عادی در آن اولی باشد.

۱. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ص: ۱۳۳؛ باب صلاة العیدین؛ ص: ۱۳۳.

۲. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج- ۱۵، ص: ۲۵۲؛ مسألة: و يجوز للفقهاء أهل الحق أن يجمعوا بالناس الصلوات كلها.

ایشان در کتاب «الینابیع الفقهیه» کتابهای کوچک (المراسل ابن برّاج و ...) فقهاء عصر آغاز اجتهاد را جمع آورى کرده‌اند و در آن کتاب در المراسل ابن حمزه و در المهدّب ابن برّاج، عباراتی که دارند عیناً مطالب شیخ طوسی رحمه الله است (ج ۳ ص ۳۷۶ نظرات ابن حمزه؛ ج ۹ ص ۴۲۴ نظرات مهدّب ابن برّاج را آورده‌اند)

مرحوم شیخ صدوق رحمه الله از المقنع ص ۱۴۸ و ۱۴۷ همین نظریه را بیان می‌فرماید. اخباریون مرحوم شیخ صدوق رحمه الله را خیلی قبول دارند و علی‌رغم اینکه اجتهاد را جایز نمی‌دانند، تقلید (از شیخ صدوق رحمه الله) را جایز می‌دانند.

در من لایحضر روایات عامّه‌ای داریم که ائمه علیهم السلام به اصحاب دستور داده‌اند که در نماز جمعه‌ی مخالفین شرکت نمایند. فقهاء نوعاً این اخبار را بر سبیل تقیّه دانسته‌اند، ولی از ظاهر برخی عبارات که دلالت بر عتاب امام معصوم علیه السلام برای شرکت نکردن در نماز جمعه ایشان دارد و قرینه‌ی تقیّه‌ای هم ندارد، چنین بر می‌آید که از روی تقیّه نبوده است و ایشان از باب تأکید بر شرکت در نماز جمعه چنین عتاب‌ها و دستوراتی داشته‌اند.

همچنین روایاتی هم هست که نماز جمعه را متوقّف بر حضور امام معصوم علیه السلام می‌دانند.

تا زمان مرحوم محقق و علامه هم این نظریه متداول بوده است (مرحوم محقق در النافع ص ۳۳۵)

فقط کسی که تصریح به مخالفت می‌کند مرحوم سلّار است (الینابیع الفقهیه ج ۹ ص ۶۷):

... ولفقهاء الطائفة أن يصلّوا بالناس في الأعياد والاستسقاء و أمّا الجُمعُ في الجُمع فلا و أما الجهاد فإلى السلطان أو من يأمره و يؤمره إلّا أن يغشى المؤمنين العدو...^۱

تا آن زمان فقهاء را مجاز به برپایی نماز جمعه (علاوه بر افتاء و قضاوت) می‌دانستند و تنها مرحوم سلّار رحمه الله نظر مخالفی داشتند.

البته ایشان هم ولایت فقیه را قبول دارند و آن را از قبل امام معصوم علیه السلام می‌دانند (نه از جانب سلطان جائز) لیکن در خصوص نماز جمعه چنین نظری دارند.

بحث اثبات ولایت نیابی یا انتصابی از طریق جواز عبادات عبادی-سیاسی برای فقیه ثابت شد و بحث بعدی در مورد تصرف بر اموال است که در جلسات آینده به آن خواهیم پرداخت ان شاء الله.

۱. المراسم سلار دیلمی ص ۳۸.